

شناسایی ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی خانوارهای دریافت‌کننده وام در ایران و تأثیر آن بر شکاف فقر

حسن درگاهی^۱
محمدرضا مظلوم پور^۲

چکیده:

نحوه تأثیر اعتبارات پرداختی به خانوارها و تأثیر آن در کاهش فقر خانوارهای فقیر از مقوله‌های مهم اجتماعی و اقتصادی است که در چارچوب ادبیات اقتصاد خانوار و مسئله محدودیت اعتباری خرد بدان پرداخته شده است. در این تحقیق بر اساس داده‌های بودجه خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۹۰ و با کاربرد سه الگوی لوجیت، ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی خانوارهای دریافت‌کننده وام شناسایی و اثر وام در احتمال فقیر شدن یا نشدن آن‌ها بررسی می‌شود. سپس با استفاده از دو مدل رگرسیون خطی براساس داده‌های مقطعی، اثر وام در کاهش نسبت شکاف فقر خانوارهای فقیر شهری و روستایی مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج برآوردهای تحقیق نشان می‌دهد که افزایش دهک هزینه‌ای خانوار و همچنین افزایش سن سرپرست خانوار احتمال دریافت وام را افزایش، و اشتغال سرپرست خانوار، افزایش بعد خانوار و همچنین شهرنشین بودن خانوار، احتمال دریافت وام را کاهش می‌دهد. این یافته، وجود محدودیت اعتبارات برای خانوارهای کم‌درآمد را تأیید می‌کند. از سوی دیگر نتایج حاکی از عدم کارایی اعتبارات در کاهش شکاف فقر خانوارهای فقیر است.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد خانوار، محدودیت اعتباری، اعتبارات خرد، شکاف فقر، ایران

طبقه بندی JEL: G21, I32, D12, C55

h-dargahi@sbu.ac.ir

mr_mazloupour@yahoo.com

^۱ دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

^۲ کارشناس ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی

۱- مقدمه

برقراری عدالت اجتماعی و توسعه انسانی به عنوان ملزومات توسعه اقتصادی، و چرخه فقر و افتادن در دام آن از موانع بزرگ بر سر راه پیشرفت و توسعه بشمار می آید. در این رابطه شناسایی خانوارهای فقیر و بررسی میزان تأثیرگذاری وام های اعطایی به آنها در جهت کاهش فقر و نیز شیوه تأمین مالی و ساز و کار اجرایی وام دادن به فقرا از مسائل مهمی است که برای شکستن چرخه شوم فقر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه، نگاه جامع به توسعه و لزوم رفع فقر سبب شده است تا نهادهای بین المللی با هدف توسعه انسانی و توسعه پایدار سعی نمایند که روش مالیه خرد یا مایکرو فاینانس^۱ را به عنوان یک ابزار کارآمد توسعه بخشند. اجرای موفقیت آمیز برخی طرح های فقرزدایی از جمله طرح هایی در قالب مالیه خرد توانسته است در برخی از نقاط جهان به ریشه کنی فقر کمک کند. مطابق مطالعات بین المللی، اقشار کم درآمد دسترسی بسیار محدودی به خدمات مالی متعارف در جهان دارند. روش مالیه خرد پس از سابقه موفق و تأثیرگذار خود در بانکداری با اقشار کم درآمد، اکنون جایگاه ویژه ای به عنوان یکی از ابزارهای مطرح در خدمات مالی جهان پیدا کرده است. تلاش مؤسسات مالیه خرد برای شناسایی و رفع موانع پوشش اقشار کم درآمد توسط ساختارهای رایج تأمین مالی، منجر به ارائه راهکارهای جدیدی گشت که با اجرای آنها، زندگی میلیون ها نفر در مناطق محروم در جهان دگرگون شد. اعطای جایزه صلح نوبل ۲۰۰۶ به دکتر محمد یونس، بنیانگذار بانک گرامین در بنگلادش نیز باعث افزایش توجه هرچه بیشتر به این حوزه گردید. تلاش مؤسسات مالیه خرد برای ارائه وام های خرد به فقرا که معمولاً به علل مختلف، بویژه نداشتن وثیقه معتبر، از آن محروم بودند باعث نجات این قشر از پدیده شوم تله فقر گردیده است (متوسلی، ۱۳۸۷)^۲.

در اقتصاد ایران اعتبارات اعطایی به خانوارها بخشی از کانال نظام بانکی و بخش دیگر از طریق مؤسسات و صندوق های اعتباری غیر بانکی انجام می گیرد. سئوالات مهمی که در

^۱ Microfinance

^۲ . همچنین نگاه کنید به: آگیون و مرداک، اقتصاد تأمین مالی خرد، ترجمه محمود متوسلی (۱۳۹۰)

این رابطه می توان مطرح نمود آن است که آیا اصولاً خانوارهای فقیر به نظام تأمین مالی موجود، به ویژه نظام بانکی رسمی، دسترسی دارند؟ و آیا اعتبارات اعطایی به خانوارها (با فرض ثابت بودن سایر عوامل)، منجر به کاهش شکاف فقر شده است؟ اگر پاسخ سئوالات فوق منفی باشد، نظام تأمین مالی خانوارهای فقیر در کشور با هدف کاهش شکاف فقر و توانمندسازی آنان در ایجاد درآمد نیازمند بازنگری است. در این مقاله سعی می شود تا ضمن شناسایی ویژگی های اقتصادی-اجتماعی خانوارهای دریافت کننده وام در ایران، به سئوالات فوق پاسخ داده شود.

۲- مروری بر ادبیات نظری و تجربی

۲-۱- آشنایی با مفاهیم کلیدی

• تعریف فقر

تانسند^۱ معتقد است «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به حساب آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند.» آمارتیاسن^۲ در مطالعات خود اشاره دارد که کلیه تعاریف صورت گرفته در خصوص فقر به نوعی به محرومیت اشاره می‌کنند. به طوری که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر، محرومیت از امکاناتی که برای ادامه حیات ضروری است تلقی شود (نظیر غذا، مسکن و دارو)، درحالی که در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت کند. بنابراین با توجه به تعاریف گوناگون فقر و اهمیت آن در ارتباط با حداقل رفاه افراد، لازم است تا رفاه، تعریف شود.

• تعریف عملیاتی رفاه

برای تعریف عملیاتی رفاه سه شیوه درپیش گرفته شده است: در رویکرد اول رفاه را می توان براساس میزان برخورداری از کالاها تعریف نمود. در این رویکرد مسئله مهم آن است که آیا افراد از منابع لازم برای تامین نیازهای خود برخوردار هستند یا نه. بر این اساس با

^۱.Townsend (1979)

^۲.Amartya Sen (1981)

مقایسه درآمد یا مصرف فرد با مرز معینی از درآمد یا مخارج مصرفی، وضعیت وی مشخص می‌شود. چنانچه درآمد وی کمتر از این مرز باشد، فقیر تلقی می‌شود. در این رویکرد، رفاه و فقر بر اساس معیار پولی ارزیابی می‌شوند. رویکرد دوم به مقوله رفاه و فقر آن است که بررسی شود آیا افراد به کالاهای مصرفی معینی (مانند اندازه کافی غذا، مسکن مناسب، مراقبت‌های بهداشتی و خدمات آموزشی) دسترسی دارند یا خیر. در این رویکرد برای ارزیابی رفاه و فقر به فراتر از معیارهای پولی توجه می‌شود. در رویکرد سوم برای اندازه‌گیری رفاه از توانایی و قابلیت برای مشارکت در جامعه استفاده می‌شود. این رویکرد که توسط آمارتیا سن معرفی شد از دو رویکرد دیگر برای رفاه وسیع‌تر است. براین اساس فرد هنگامی فقیر تلقی می‌شود که از تعدادی از قابلیت‌های کلیدی محروم باشد.

• فقر مطلق و فقر نسبی

فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی تعریف شده است. در مقابل فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود تعریف شده است. در فقر نسبی که ناشی از اختلاف شدید درآمدی است فقر، صرفاً ناشی از فقدان منابع جهت تأمین نیازهای اساسی نیست بلکه ناشی از کمبود منابع جهت دسترسی به حداقل استاندارد زندگی جامعه است. بنابراین در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود.

• فقر اولیه و فقر ثانویه

فقر اولیه را محققین، فقری تعریف کرده‌اند که در آن افراد در تأمین نیازهای اولیه و اساسی، دسترسی به منابع ندارند ولی فقر ثانویه فقری است که در آن افراد دسترسی به منابع اولیه دارند ولی توانایی استفاده از آنها را برای افزایش سطح زندگی خود ندارند.

• خط فقر

خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می شود.^۱ افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر تلقی می شوند. برای اندازه گیری فقر و تعیین فقرا و جداسازی آنها از غیرفقیرها به یک حد یا ملاکی به نام خط فقر نیاز است. این مرز را می توان براساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف نمود. اما مفهوم ادامه حیات نیز کاملاً روشن نیست. بعضی از محققین حداقل معاش برای ادامه حیات را بر حسب میزان انرژی مورد نیاز بدن تعریف می کنند. با توجه به مفهوم نسبی یا مطلق فقر، خط فقر به عنوان حدی تعریف می شود که مرز بین فقرا و غیر فقرا را مشخص می کند. بنابراین ملاحظه می شود که خط فقر دارای مفاهیم مختلفی است که انتخاب هر یک در سیاست های عملی فقر زدایی، حائز اهمیت است. زیرا شاخص های فقر مبتنی بر این مفاهیم، حساسیت های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی کوتاه مدت و بلندمدت یا نابرابری از خود نشان می دهند.

• روش محاسبه خط فقر

روش های محاسبه خط فقر بسیار متنوع است. بسته به مفهوم مورد پذیرش از فقر و روش محاسباتی می توان انواع خط فقر را معرفی نمود. در این تحقیق روش هزینه نیازهای اساسی مورد استفاده قرار گرفته است. در این روش یک سبد مصرفی حاوی میزان معینی از نیازهای اساسی فرد برآورده شده و هزینه ریالی تأمین آن به عنوان خط فقر لحاظ می شود. این روش ابتدا توسط راونتری^۲ و بوت^۳ بکار گرفته شد. برای محاسبه هزینه مواد غذایی اغلب حداقل کالری مورد نیاز برای بر خورداری از سلامت و حفظ کارایی فیزیکی در نظر گرفته می شود. فائو حداقل کالری مورد نیاز را ۲۱۰۰ کالری در نظر می گیرد. برخی از محققین در مطالعات خود در مورد ایران، ۲۳۰۰ کالری را برای محاسبه خط فقر در نظر گرفته اند.

^۱ Ravallion (1998)

^۲ Rowntree (1901)

^۳ Booth (1892)

• تعریف شاخص نسبت شکاف فقر

در این تحقیق شاخص نسبت شکاف فقر به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفته است. فرض کنید که در جامعه ای درآمد n خانوار به ترتیب صعودی مرتب شده است. اگر خط فقر Z باشد، رابطه زیر نشان از این دارد که q خانوار از این جامعه، زیر خط فقر قرار دارند:

$$Y_1 \leq Y_2 \leq \dots \leq Y_q \leq Z \leq Y_{q+1} \leq \dots \leq Y_n$$

اختلاف درآمد هر خانوار از خط فقر، شاخصی به نام شکاف فقر می دهد که با تقسیم این اختلاف بر خط فقر، نسبت شکاف فقر بدست می آید. میانگین کل این نسبت ها برای خانوارهای فقیر، شاخص نسبت شکاف فقر را بدست خواهد داد.

شکاف فقر برای خانوار i ام $g_i = (Z - Y_i)$

شاخص نسبت شکاف فقر $G = \frac{1}{q} \sum_{i=1}^q \frac{Z - Y_i}{Z}$

۲-۲- مالیه خرد

ماموریت اساسی جنبش مالیه خرد، ارائه خدمات مالی به گروه های فقیری است که به دلایل مختلف، شامل هزینه های مبادلاتی بالا، ریسک بالا، نداشتن وثیقه، نداشتن سابقه اعتباری، فرصت برخورداری از خدمات مالی عرضه شده در نظام متعارف مالی و بانکی را ندارند. در حقیقت ایجاد دسترسی به خدمات مالی برای فقرا با نگرش توانمندسازی آنان از طریق بهبود فرصت ها، یکی از اهداف اساسی و وجه تمایز مالیه خرد، نسبت به سایر راهکارهای سیاستی است که با نگرش حمایتی از فقرا طراحی می شوند. این گفته محمد یونس به عنوان بنیانگذار بانک گرامین و پیشرو جنبش مالیه خرد مبنی بر اینکه اعتبار نیز باید به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر تعریف و پذیرفته شود، نشان دهنده این نکته است (رایینسون^۱ ۲۰۰۱ و یونس^۲ ۲۰۰۳). بسیاری از برنامه های فقرزدایی دولت ها، علی رغم صرف منابع مالی و هزینه های فراوان، نتوانسته است اهداف مورد انتظار را پوشش دهد. تا

¹ Robinson

² Yunus

دهه ۸۰ میلادی، تصور عمومی در تأمین نیازهای مالی فقرا در قالب تحلیل شکست بازار شکل گرفت و توصیه سیاستی آن دخالت مستقیم دولت برای ارائه اعتبار به فقرا به ویژه در نقاط روستایی و در قالب بانک های توسعه روستایی بود. اما بررسی ها نشان از عملکرد ضعیف این برنامه ها چه از نظر مالی و چه از نظر اصابت به گروه هدف داشت (استیکلیتز و هوف^۱ ۱۹۹۳، بانک جهانی ۲۰۰۱) به طوری که این دخالت ها به شکست دولت در مقابل شکست بازار مشهور شده است (هولم و موزلی^۲ ۱۹۹۶). مالیه خرد سعی دارد با اتکا بر تمام ظرفیت های تکنولوژیکی و نهادی جامعه، بازویی جهت توانمندسازی فقرا شده و عدم موفقیت طرح های فوق را به حداقل برساند. امروزه نگرش به مالیه خرد به حدی وسعت دارد که تمام نهادها و مؤسسات بین امللی سعی دارند به نوعی در اهداف توسعه ای خود، از جمله ریشه کنی فقر، بی سوادی، مبارزه با بیماری های مسری، حفظ محیط زیست، افزایش استانداردهای زندگی و تأمین مسکن، از دست آوردها و الگوهای مالیه خرد تبعیت کنند. اهداف مالیه خرد را به اختصار می توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱- افزایش ضریب دسترسی افراد فقیر و کم درآمد به اعتبارات
 - ۲- توانمندسازی اقشار فقیر جامعه و افزایش درآمد آنها توسط افزایش مهارت های شغلی
 - ۳- افزایش مشارکت های اجتماعی و آموزش فعالیت های گروهی به افراد فقیر
 - ۴- افزایش استانداردهای زندگی با توجه به بهداشت، بیمه، آموزش و ... افراد کم درآمد
 - ۵- هدایت پس اندازها و منابع غیر مولد به سمت فعالیت های اقتصادی مولد
 - ۶- توسعه و تثبیت مشاغل موجود و ایجاد مشاغل جدید برای افراد کم درآمد
- تحقیقات انجام شده در ارتباط با اعتبارات خرد و کاهش فقر و توسعه اقتصادی و اجتماعی حاکی از آن است که همبستگی مثبتی بین اعتبارات خرد و کاهش فقر، توانمندسازی انسانی و اقتصادی - اجتماعی وجود دارد (مایوکس^۳ ۱۹۹۹). سازمان ملل متحد سال ۲۰۰۵ را سال جهانی اعتبارات خرد نامگذاری کرد که نشان از اهمیت این روش در جهت توسعه

¹ Stiglitz and Hoff

² Hulme and Mosley

³ Mayoux

کشورها و فقر زدایی در جهان داشت. در نشست اعتبارات خرد که در نوامبر سال ۲۰۰۶ برگزار شد، هدف دسترسی ۱۷۵ میلیون نفر از فقیرترین مردم جهان به اعتبارات خرد تا سال ۲۰۱۵ هدف قرار گرفت.^۱ مطالعات نشان می دهد که صرف پرداخت وام های خرد نمی تواند موجب افزایش درآمد فقرا شود. نوع فعالیت اقتصادی و سودآوری، سرمایه اولیه و دارایی ها آن ها، سیاست های دولت و زیرساخت های اقتصادی عوامل مهم و تاثیرگذار بشمار می آیند (کوپستاک و ویلیامز^۲ ۲۰۱۱). بنابراین نقش دولت، تکنولوژی، نهادهای بین المللی و ارتباط دولت با بخش های مردمی در جهت تحقق فقر زدایی توسط نظام مالیه خرد بسیار مهم است. در این رابطه سه ویژگی مهم مالیه خرد یعنی توانمندسازی، پایداری و گسترش باید مورد توجه قرار گیرد.

توانمندسازی ایجاد خودباوری و اتکای به نفس در افراد به عنوان مهمترین عامل توسعه برای مبارزه با فقر است تا بتوانند با ایجاد یک شغل مناسب و یک فعالیت اقتصادی، به استقلال مالی لازم جهت افزایش استانداردهای زندگی خود برسند. جهت توانمندسازی افراد لازم است برنامه هایی از قبیل تشکیل گروه با کارکرد مالی و ظرفیت سازی اجتماعی و آموزش انجام شود. پایداری یکی از ویژگی های اساسی است که تداوم برنامه ها را به دنبال دارد. یکی از ویژگی های متمایز کننده برنامه های مالیه خرد نسبت به سایر برنامه، مسأله پایداری به معنای کاهش وابستگی به منابع مالی بیرونی، کاهش هزینه های معاملاتی، حذف یارانه از وامهای اعطایی و در مجموع وابستگی به همان اعضای وام گیرنده منظور از گسترش در نظام مالیه خرد، گسترش فعالیت های درآمدزا از یک سو، و گسترش خدمات مالی به طور اثربخش است. مطالعه بانک جهانی بر روی فعالیت های مؤسسات مالیه خرد نشان می دهد که سه هدف از بیشترین فراوانی برخوردار بوده است: الف) ایجاد اشتغال و فرصت های کسب درآمد برای اعضا. ب) افزایش بهره وری و درآمد برای گروه های آسیب پذیر. ج) کاهش وابستگی خانوارها به کشاورزی در مناطق مستعد خشکسالی از

¹ Global Microcredit Summit, Nov. 12-15, 2006, Halifax, Nova Scotia, Canada.

² Copestake and Willims

طریق متنوع ساختن فعالیت های ساکنین آن مناطق (لدگروود^۱ ۱۹۹۹، نواجاس^۲ ۲۰۰۰، کریستین^۳ ۲۰۰۴). با این حال آنچه در سازماندهی مؤسسات مالیه خرد باید در اولویت نخست قرار داده شود، دنبال نمودن پایداری و خودگردانی مالی است (متوسلی ۱۳۸۷، نواجاس ۲۰۰۰، شراینر^۴ ۲۰۰۲). عواملی چون وابستگی به منابع دولتی (هولیس و سوئیت من^۵ ۱۹۹۸)، نرخهای بهره ترجیحی و کنترل شده (هلمز^۶ ۲۰۰۶)، عدم توجه به جذب منابع مالی از مشتریان (رابینسون ۲۰۰۱)، تأکید صرف بر اعتبار و عدم توجه به جنبه های آموزشی برای استفاده مولد از آن (اسنو و باس^۷ ۲۰۰۱)، عدم توجه به شرایط نهادی، اجتماعی و فرهنگی گروه هدف (وولکاک^۸ ۱۹۹۹) و عدم شناخت نیازهای واقعی گروه هدف (هولم^۹ ۲۰۰۰)، به عنوان مهمترین عوامل ناکامی و شکست برنامه های مالیه خرد تبیین شده اند. مقایسه مالیه خرد متعارف با مالیه خرد اسلامی نشان می دهد که مالیه خرد اسلامی به دلیل وجود عقود اسلامی مانند مرابحه و منابع تأمین مالی همچون قرض الحسنه، زکات، وقف و صدقات دارای پتانسیل بیشتری نسبت به مالیه خرد متعارف است (اسمولو^{۱۰} ۲۰۱۱). در بحث دلایل عدم پوشش فقرا در ساختار های مالی رایج تأمین مالی، می بایست ویژگی های طرف تقاضا و عرضه مورد توجه قرار گیرد.

الف) ویژگی های طرف تقاضا

درآمدهای پایین و نامنظم و بازپرداخت های سنگین از اصلی ترین دلایل عدم تمایل اقشار کم درآمد برای استفاده کردن از محصولات مالی متعارف بوده است. این عوامل در کنار لزوم ایجاد توازن در هزینه های غذایی، حمل و نقل، بهداشت، آموزش، مسکن و هزینه های اضطراری، وضعیتی را برای این افراد به وجود می آورد که معمولاً تمایلی برای اخذ

¹ Ledgerwood

² Navajas

³ Christen

⁴ Schreiner

⁵ Hollis and Sweetman

⁶ Helms

⁷ Snow and Buss

⁸ Woolcock

⁹ Hulme

¹⁰ Smolo

وام از مؤسسات مالی رایج نشان نمی دهند. این پدیده در کشورهای مختلف با شدت و ضعف های مختلفی صادق است. نداشتن وثیقه و ضامن مورد قبول مؤسسات مالی نیز از دلایل بسیار مهم عدم پوشش فقرا توسط ساختارهای فعلی تأمین مالی بوده است. از آنجا که اکثر افراد فقیر در روستاها و حاشیه شهرها عموماً فاقد مالکیت رسمی یا دارای مالکیت مبهم هستند، از شمول شرایط وام گیری از بانکها و مؤسسات مالی تجاری خارج شده و این موضوع باعث تشدید فقر و شکاف درآمدی در این قشر می گردد. همچنین، اشتغال اکثریت این افراد در اقتصاد غیر رسمی، امکان ارائه ضامن را به شدت کاهش می دهد. نکته آخر این که فقدان سواد و اطلاعات و مهارت های مالی لازم از دلایل پایین بودن تقاضا و دسترسی اقشار کم درآمد به خدمات مالی متعارف گزارش می شود.

ب) ویژگی های طرف عرضه

از طرف عرضه نیز مؤسسات مالی و بانک های تجاری برنامه های مشخصی برای وام دهی به اقشار کم درآمد نداشته اند. غالباً از دید مؤسسات مالی، هزینه وام ها و نرخ های بهره در مقابل استطاعت فقرا برای بازپرداخت، بالا بوده و بانک های تجاری علاقه ای برای مشارکت در این برنامه ها و طراحی ابزارهای مالی خاص برای اقشار کم درآمد ندارند. این پیش فرض که "بانکداری با فقرا، سودمند نیست" و نیز "فقرا بازار مالی بزرگ و قابل توجهی نیستند" از دلایل پرهیز بانک های تجاری برای ورود به این حوزه بوده است. هم چنین عدم اعتماد سپرده گذاران و سهامداران نسبت به وام دهی به فقرا، از دلایل دیگر تشدید کننده محرومیت اقشار کم درآمد از خدمات مالی متعارف بشمار می آید. مؤسسات مالیه خرد با سوابق موفقیت آمیز در صدد زدودن این باورهای غلط هستند. نحوه ضمانت وام های فقرا و مساله وثیقه شاید یکی از اصلی ترین موانع مشارکت بانک ها و مؤسسات مالی تجاری در وام دهی به اقشار کم درآمد باشد، مسأله ای که مؤسسات مالیه خرد تلاش چشمگیری در رفع آن داشته اند. کمبود اطلاعات درباره رتبه بندی ریسک و اعتبار افراد فقیر و نبود نظام اطلاعاتی نیز باعث شده تا بسیاری از افراد خوش حساب قشر کم درآمد، از دسترسی به خدمات تأمین مالی محروم بمانند. لذا سنجش فقر و نیز

راهکارهای مختلف فقرزدایی در دهه های اخیر اهمیت بیشتری در کشورهای دنیا، به ویژه کشورهای توسعه نیافته، پیدا کرده است.

۲-۳- شناسایی مشخصه های فقر

مهمترین کارکرد دولت در ارتباط با وظیفه توزیع مجدد درآمد، مبارزه با فقر و کاهش آن است. اما عملی نمودن آن، در گرو شناسایی هرچه دقیق تر گروه هدف است. آنچه بر دشواری کار می افزاید، جنبه های مختلف فقر و عدم مشاهده مستقیم آن است. چنین مشکلاتی باعث می شود تخصیص مجدد منابع مالی محدود، به خوبی میسر نشده و منجر به بهره برداری کامل گروه های هدف از آن نشود. از این رو طی سال های گذشته تلاش های بسیاری جهت تدوین و ارائه راهکارهای عملی شناسایی فقرا صورت گرفته است که مجموعه این مطالعات را می توان در قالب دو گروه کلی مطالعات براساس شاخص های فقر و مطالعات مبتنی بر مدل های اقتصادی تقسیم بندی کرد. نیلی و همکاران (۱۳۷۶) با استفاده از نتایج یک نمونه گیری در مورد هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی در دوره ۷۳-۱۳۶۹ به بررسی تحولات فقر در ایران پرداخته اند. آنها ابتدا به بررسی توزیع درآمد در کشور پرداخته و نتیجه گرفته اند که بخش قابل توجهی از نابرابری ها در کشور از نابرابری بین مناطق شهری و روستایی پدید آمده است. همچنین عواملی چون بعد خانوار، سطح سواد سرپرست خانوار، وضعیت اشتغال سرپرست خانوار و نیز وضعیت محل سکونت خانوار می تواند از عوامل توضیح دهنده وضعیت رفاه خانوار باشد. صمدی (۱۳۷۸) در رساله دکتری خود، گستره فقر را در ایران به تفکیک مناطق شهری و روستایی برآورد کرده است. وی نتیجه می گیرد که خط فقر در مناطق روستایی حدوداً ۴۰ درصد پایین تر از مناطق شهری است. پروین و زیدی (۱۳۸۰)، در مقاله ای اثر سیاست های تعدیل اقتصادی را بر فقر و توزیع درآمد مورد بررسی قرار داده اند. نتایج مطالعه آنان نشان می دهد که سیاست کاهش ارزش پول ملی بیشترین و سیاست افزایش مخارج دولت، کمترین تاثیر را بر گسترش فقر و نابرابری دارد. عرب مازار و حسینی نژاد (۱۳۸۳) در مقاله ای با عنوان "برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران" به مطالعه ویژگی های خانوارهای فقیر روستایی پرداخته و نتیجه گرفته اند

که شغل سرپرست خانوار، منطقه جغرافیایی محل سکونت سرپرست خانوار از عوامل تعیین کننده فقر خانوارهای روستایی است. به طوری که احتمال فقیر بودن خانوار با سرپرست شاغل بخش آزاد تولیدی بیش از خانواری است که سرپرست آن شاغل آزاد بخش خدماتی است و یا ساکنین مناطق مرکزی کشور نسبت به ساکنین مناطق جنوبی کشور احتمال فقیر بودنشان بیشتر است. عرب مازار و حسینی نژاد (۱۳۸۳) در مقاله ای دیگر با عنوان "عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران" به بررسی اثرات ویژگی های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی از جمله سن سرپرست خانوار، بار تکفل، جنسیت سرپرست، موقعیت جغرافیایی محل سکونت، نوع اشتغال سرپرست خانوار بر میزان فقر خانوارها پرداخته و اثرات هر کدام را بر کاهش میزان احتمال فقیر شدن خانوار به کمک یک مدل لجیت و توسط داده های سال ۱۳۷۹ مرکز آمار ایران از ۱۰۸۲۸ خانوار روستایی اندازه گیری کرده اند. راغفر و ابراهیمی (۱۳۸۶) در تحقیقی با استفاده از آمار هزینه و درآمد خانوارها به اندازه گیری فقر در مناطق شهری و روستایی ایران طی سالهای ۶۸ تا ۱۳۸۳ پرداخته اند. مطابق نتایج آنان در این دوره همواره میزان شاخص های فقر در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری بوده است. ارشدی و کریمی (۱۳۹۲) در تحقیقی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران را مورد مطالعه قرار داده اند. در این تحقیق خط فقر مطلق غذایی بر اساس تغذیه مناسب (۲۳۰۰ کالری) و خط فقر نسبی نیز از طریق ۶۶ درصد هزینه های کل (خوراکی و غیر خوراکی) خانوار بدست آمده است. نتایج آنها حاکی از بالا بودن فقر نسبی و مطلق روستایی نسبت به شهری است و اینکه سیاست ها و برنامه های فقر زدایی در ایران بر فقر مطلق متمرکز بوده و به فقر نسبی، کمتر توجه داشته است.

۲-۴- اعتبارات خرد و کاهش فقر

عرب مازار (۱۳۷۹) نشان می دهد که کشاورزان نیازهای مالی خود را از پس اندازه های شخصی، فروش دارایی ها، بانک کشاورزی، بانک های تجاری، صندوق های قرض الحسنه، کسبه محل، سلف خران و آشنایان تأمین می کنند به طوری که حدود ۷۶ درصد تأمین مالی از منابع رسمی و ۲۴ درصد آن از منابع غیر رسمی است. بر اساس مطالعه

افتخاری و عینالی (۱۳۸۳) اثر بخشی منابع اعتباری خرد در بهبود شرایط زندگی روستاییان و کشاورزان خرده پا، بسیار بالاست. حسن زاده و ارشدی (۱۳۸۲) اثر اعتبارات خرد در کاهش فقر و افزایش درآمد را مورد بررسی قرار داده اند. در الگوی این مطالعه درآمد سرانه به عنوان متغیر وابسته و بعد خانوار، نرخ اشتغال و نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات (جایگزین شاخص اعتبار خرد) به عنوان متغیرهای وابسته بکار رفته اند. برخلاف انتظار، متغیر نسبت تسهیلات قرض الحسنه به کل تسهیلات دارای ضریب معناداری نبوده است. حسن زاده و قویدل (۱۳۸۴) در بررسی چالش های تأمین مالی خرد روستایی در ایران، به مقایسه تطبیقی صندوق های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش پرداخته و نتیجه گرفتند که صندوق های قرض الحسنه به رغم ماهیت آنها، نقش کمتری در کاهش فقر و توانمندسازی افراد نیازمند دارند. مطالعه نجفی (۱۳۸۴) در مورد وام های اعطایی بخش غیر رسمی نشان می دهد که این وام ها به علت نداشتن محدودیت در نوع مصرف و زمان انتظار کوتاه آن، غالباً دارای ماهیت مصرفی هستند. نجفی و یعقوبی (۱۳۸۴) در یک مطالعه ی موردی در استان فارس بر اساس نمونه ای از ۲۱۶ خانوار روستایی نشان دادند که نرخ کارمزد اعتبارات کشاورزی منابع رسمی، به دلیل پرداخت یارانه از سوی دولت، کمتر از نرخ کارمزد منابع غیر رسمی است اما با احتساب هزینه های جانبی دریافت وام، مانند هزینه تأمین وثیقه یا ضامن، هزینه کارشناسی و اداری، هزینه دریافت وام از بخش رسمی افزایش می یابد. نتایج این مطالعه نشان می دهد که کشاورزان خرده پا و کم درآمدتر، اصلی ترین بخش دریافت کننده وام از منابع غیر رسمی را تشکیل می دهند. نتایج مطالعه عرب مازار و سعدی (۱۳۸۵) در ارزیابی طرح حضرت زینب (س)، که توسط بانک کشاورزی برای اشتغال زنان سرپرست خانوار انجام گرفته است، نشان می دهد که بر اساس ارزیابی تعداد ۸۴۲ نفر وام گیرنده تا سال ۲۰۰۵، طرح مذکور حدود ۸۵ درصد موفقیت داشته و موفقیت طرح بستگی به مقدار وام، درآمد خانوار، همکاری خانواده با یکدیگر، سطح تحصیلات و سن زنان دارد. ازوجی (۱۳۸۶) نتیجه می گیرد که دستیابی به رشد درآمد سرانه در مناطق گوناگون کشور و کاهش فقر خانوارهای کم درآمد و محروم بطور عمده از طریق پدید آوردن فرصت های شغلی مناسب و پایدار

امکان پذیر است و ابزار اعطای وام در شکل اعتبارات خرد به تنهایی نمی تواند به کاهش فقر در مناطق کشور بینجامد چرا که ممکن است ثبات و پایداری کافی نیابد. مطالعه لوی^۱ (۲۰۰۲) نشان داد که برنامه های اعتبارات خرد در جهت فقر زدایی باید با هدفگذاری استقلال مالی بیشتر برای وام گیرندگان فقیر و در راستای توانمندسازی آنها همراه باشد و افزایش وابستگی به اعتبارات برای افراد فاقد سرمایه خطرناک است. گادکوئین^۲ (۲۰۰۴) نیز معتقد است که اندازه وام باید متناسب با نیاز و توان فقرا باشد و اندازه بزرگ وام می تواند باعث کاهش نرخ بازپرداخت شود. گلاسمن و بردسال^۳ (۲۰۱۳) در مقاله ای طرح پرداخت یارانه کالایی و پرداخت یارانه نقدی در هند را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج مطالعات آنها نشان می دهد که نبود قانون شناسایی فقرا، در کنار مکانیسم ضعیف و در نهایت فساد دستگاه اجرایی، عواملی هستند که منجر به شکست این طرح شده و نه تنها این نحوه پرداخت یارانه باعث کاهش فقر در هند نشده است بلکه حدوداً ۷۰ درصد افرادی که از این نحوه پرداخت یارانه منتفع می شدند، اساساً فقیر نبوده اند.

۳- تحلیل داده های تحقیق

در تحقیق حاضر اطلاعات مربوط به ۳۴۷۳۲ خانوار شهری و روستایی بر اساس طرح هزینه و درآمد سال ۱۳۹۰ مرکز آمار، مورد استفاده قرار گرفته است. داده مذکور شامل ۱۷۸۱۳ خانوار روستایی و ۱۶۹۱۹ خانوار شهری است که به ترتیب ۳۱۲۱ خانوار روستایی و ۳۸۱۵ خانوار شهری از اعتبارات نظام بانکی و مالی رسمی از جمله صندوق های قرض الحسنه محلی و اداری وام گرفته اند.

۳-۱- ویژگی های اقتصادی- اجتماعی خانوارها

مطابق آمار بودجه خانوار سال ۱۳۹۰ متوسط بعد خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است و نیز متوسط هزینه هر خانوار شهری بیشتر از خانوار روستایی است به طوری

¹ Levy

² Godquin

³ Glassman and Birdsall

که متوسط هزینه خانوارهای شهری ۱/۳ برابر متوسط هزینه خانوارهای روستایی است. تعداد شاغلین در خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری بوده و نیز درصد با سوادی سرپرستان خانوارهای شهری بیشتر از خانوارهای روستایی است. مشکل مسکن در خانوارهای شهری بیشتر است چنانچه داده ها نشان می دهد، درصد مالکیت خانوارهای روستایی بیشتر از خانوارهای شهری است. در سایر ویژگی ها مانند درصد اشتغال سرپرست خانوار، درصد مرد بودن سرپرست خانوار و نیز متوسط سن سرپرست خانوار، تفاوت چندانی بین خانوارهای روستایی و شهری مشاهده نمی شود.

جدول ۱: ویژگی های اجتماعی-اقتصادی خانوارهای مورد مطالعه در سال ۱۳۹۰

روستایی (۱۷۸۱۲ خانوار)	شهری (۱۶۹۱۹ خانوار)	ویژگی خانوار
۴,۳۲	۴,۰۴	بعد خانوار
۱۲۵,۶۰۰,۷۶۹	۱۶۴,۶۱۳,۳۶۸	متوسط هزینه سالانه هر خانوار (ریال)
۱,۵۴	۱,۵۲	تعداد افراد صاحب درآمد در هر خانوار
۱,۴	۱,۰۶	تعداد افراد شاغل در هر خانوار
۹۵,۸	۹۵,۷	درصد اشتغال سرپرست خانوار
۹۲,۱	۹۲,۷	درصد مرد بودن سرپرست خانوار
۷۰,۵	۸۶,۸	درصد باسوادی سرپرست خانوار
۴۸,۸	۴۷,۵	متوسط سن سرپرست خانوار
۹۱,۸	۹۲,۲	درصد تاهل سرپرست خانوار
۹۶,۱	۸۲,۲	درصد خانوارهای با محل سکونت غیر استیجاری (شخصی، سازمانی)

منبع: یافته های تحقیق

۳-۲- نحوه توزیع اعتبارات به تفکیک دهک های هزینه ای

خانوارهای شهری و روستایی که در دهک های پایین تر هزینه ای قرار دارند دسترسی کمتری به اعتبارات دارند. به طوری که ۵/۷ درصد از خانوارهای شهری و ۶/۶ درصد از خانوارهای روستایی دهک اول دسترسی به وام داشته اند. این در حالی است که ۳۷/۵ درصد از خانوارهای شهری و ۴۲/۳ درصد از خانوارهای روستایی دهک دهم استفاده کننده وام بوده اند. نحوه توزیع وام بر حسب مبلغ (جدول ۲) نیز مبین این نکته است که خانوارهای دهک های پایین درآمدی سهم کمتری از کل وام های اعطایی را دریافت

کرده اند. به طوری که خانوارهای دهک اول معادل ۲/۰۳ درصد و خانوارهای دهک دهم معادل ۲۸/۹ درصد از کل مبالغ را دریافت کرده است. نتایج نشان می دهد که تنها حدود ۱۴ درصد از کل مبالغ وام به چهار دهک درآمدی پایین و حدود ۴۷ درصد به دو دهک بالای درآمدی رسیده است. جدول ۳ نحوه دسترسی خانوارها به تسهیلات مؤسسات بانکی و غیر بانکی را نشان می دهد. همچنانکه مشاهده می شود حدود ۲۰ درصد وام های بانکی و ۱۹ درصد وام های غیربانکی متعلق به خانوارهای دهک دهم درآمدی است. این در حالی است که خانوارهای دهک اول به ترتیب ۳ و ۴,۴ درصد وام های بانکی و غیر بانکی را استفاده کرده اند. نتایج تحلیل داده ها را می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- دسترسی خانوارهای دهک های بالای درآمدی به نظام بانکی، بطور نسبی بیشتر از دهک های پایین درآمدی است یعنی نظام بانکی موجود تمایلی به فعالیت با دهک های درآمدی پایین را ندارد.. بانک ها به دنبال ریسک کمتر و بازدهی بیشتر هستند.
- ۲- دهک های پایین درآمدی شهری، شانس کمتری نسبت به دهک های مشابه روستایی در اخذ وام از نظام بانکی داشته اند. شاید دلیل، آن باشد که در این حوزه برخی بانک ها مانند بانک کشاورزی می بایست اعتبارات خود را فقط در اختیار کشاورزان قرار دهند.
- ۳- نظام مالی غیر بانکی (از قبیل صندوق های قرض الحسنه محلی) توانسته است در جامعه روستایی به طور نسبی، عدالت در توزیع اعتبارات را رعایت کند و تقریباً دسترسی دهک های مختلف جامعه روستایی به اعتبارات غیر بانکی (به لحاظ تعداد) یکسان است. دلیل این امر شاید بوروکراسی کمتر اداری و هزینه های کمتر اخذ وام از این مؤسسات باشد. در جامعه شهری، این عدالت در توزیع دیده نمی شود و دسترسی خانوارهای پردرآمد به اعتبارات این گونه مؤسسات بیشتر است.

جدول ۲: توزیع مبلغ وام های اعطایی به خانوارها (درصد)

جمع	سهم هر دهک از کل مبلغ وام ها		دهک
	روستا	شهر	
۲,۰۳	۲	۰,۰۳	۱
۲,۹۹	۲	۰,۹۹	۲
۴,۲۸	۲,۶۸	۱,۶	۳
۴,۷۴	۲,۶۲	۲,۱۲	۴
۶,۶۷	۳,۶۳	۳,۰۴	۵
۷,۹۹	۳,۴۲	۴,۵۷	۶
۱۱,۳۱	۴,۵۹	۶,۷۲	۷
۱۲,۷۴	۵,۰۷	۷,۶۷	۸
۱۸,۳۹	۵,۶۹	۱۲,۷	۹
۲۸,۹	۷,۷	۲۱,۲	۱۰
۱۰۰	۳۹,۴	۶۰,۶	جمع

منبع: محاسبات تحقیق

جدول ۳: توزیع وام خانوارها به تفکیک وام های بانکی و غیر بانکی

درصد وام های غیر بانکی			درصد وام های بانکی			دهک
روستا	شهر	کل	روستا	شهر	کل	
۴,۲۵	۰,۱۸	۴,۴۳	۲,۹۳	۰,۰۵	۲,۹	۱
۲,۳۶	۲,۷۸	۵,۱	۳,۰۷	۱,۶	۴,۷	۲
۳,۸۹	۳,۰۷	۶,۹	۳,۷۷	۲,۲	۵,۹	۳
۲,۸۹	۴,۱۹	۷,۱	۳,۷۷	۲,۷	۶,۴	۴
۴,۹۰	۵,۳۲	۱۰,۲	۴,۸۲	۳,۳	۸,۱	۵
۳,۷۲	۰,۶۵	۴,۳۷	۴,۸۴	۵,۱	۹,۹	۶
۳,۵۴	۸,۹۲	۱۲,۵	۶,۰۶	۵,۹	۱۱,۹	۷
۵,۰۸	۹,۱	۱۴,۸	۵,۸۳	۷,۴	۱۳,۲	۸
۳,۶۶	۱۲,۶	۱۶,۳	۶,۱۴	۱۰,۵	۱۶,۶	۹
۳,۷۲	۱۵,۲	۱۸,۹	۶,۹۲	۱۳,۲	۲۰,۱	۱۰
۳۸	۶۲	۱۰۰	۴۸,۳	۵۱,۷	۱۰۰	جمع

منبع: محاسبات تحقیق

۴- الگوهای تحقیق

جهت شناسایی ویژگی های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای دریافت کننده وام و نیز نقش وام های اعطایی به خانوارها در کاهش شکاف فقر، در این تحقیق از ۵ الگو، شامل سه الگوی لوجیت و دو الگوی رگرسیون خطی، به شرح زیر استفاده شده است. در مورد استفاده از الگوسازی لوجیت یادآوری می شود که در این تحقیق با توجه به کیفی بودن متغیر وابسته، روش های لوجیت و پرابیت به طور همزمان مورد برآورد قرار گرفتند. در هر دو روش، علامت و معناداری متغیرها یکسان بود. با این حال با مقایسه خوبی برازش از طریق آماره H-L (Hosmer-Lemeshow)، نتایج الگوهای لوجیت گزارش شده است.

الگوی اول: الگوی لوجیت برای شناسایی ویژگی های خانوارهای دریافت کننده وام
الگوی دوم: الگوی لوجیت برای بررسی اثر استفاده از وام در احتمال فقیر شدن یا نشدن خانوارها

الگوی سوم: الگوی لوجیت برای بررسی اثر میزان وام به هزینه خانوار در احتمال فقیر شدن یا نشدن خانوارها

الگوی چهارم: الگوی رگرسیون خطی براساس داده های مقطعی برای بررسی اثر وام در کاهش نسبت شکاف فقر خانوارهای فقیر روستایی

الگوی پنجم: الگوی رگرسیون خطی براساس داده های مقطعی برای بررسی اثر وام در کاهش نسبت شکاف فقر خانوارهای فقیر شهری

۵- نتایج برآورد الگوها

۵-۱- الگوی لوجیت برای شناسایی ویژگی های خانوارهای دریافت کننده وام

در مدل لوجیت زیر متغیر وابسته داشتن وام (TL=1) و یا نداشتن وام (TL=0) است:

$$TL = C + S_1 A + S_2 E + S_3 EG + S_4 EM + S_5 NEM + S_6 NF + S_7 S + S_8 U + V$$

در این الگو، سن سرپرست خانوار (A)، تحصیلات (سواد داشتن یا نداشتن) (E)، بعد خانوار (NF)، جنسیت سرپرست خانوار (S) و شهری یا روستایی بودن خانوار (U) به عنوان ویژگی های اجتماعی، و دهک هزینه (EG)، شاغل بودن یا نبودن سرپرست خانوار (EM)، و تعداد شاغلین در هر خانوار (NEM) به عنوان ویژگی های اقتصادی خانوار،

منظور شده اند. مطابق نتایج (جدول ۴)، متغیر سن سرپرست خانوار، دهک هزینه خانوار، اشتغال سرپرست خانوار، بعد خانوار و شهری بودن یا نبودن خانوار از عوامل تعیین کننده داشتن یا نداشتن وام خانوار بشمار می آید. علامت ضرایب برآورد شده نشان می دهد که، شاغل بودن سرپرست خانوار، افزایش بعد خانوار و شهر نشین بودن خانوار، احتمال دریافت وام توسط خانوار را کاهش داده و افزایش دهک خانوار و افزایش سن سرپرست خانوار شانس دریافت وام را افزایش می دهد. این نکته تاییدی بر این فرضیه است که دسترسی خانوارهای کم درآمد به اعتبارات بطور نسبی، کم است.

۵-۲- الگوی لوجیت برای بررسی اثر وام در احتمال فقیر بودن خانوارها

در این بخش دو الگوی لوجیت برای تعیین عوامل مؤثر در احتمال فقیر بودن ($DPOV=1$) و یا فقیر نبودن ($DPOV=0$) خانوارها با تاکید بر نقش وام مورد برآورد قرار می گیرد. در الگوی اول متغیر داشتن وام ($TL=1$) و یا نداشتن وام ($TL=0$) و در الگوی دوم نسبت مبلغ وام به هزینه خانوار، به عنوان متغیر جایگزین اعتبارات، مورد استفاده قرار گرفته است. الف) الگوی اول با در نظر گرفتن متغیر داشتن و یا نداشتن وام (TL)

$$DPOV=C+S_1A+S_2E+S_3EM+S_4NEM+S_5NF+S_6S+S_7U+S_8TL+V$$

مطابق نتایج (جدول ۵)، افزایش سن سرپرست خانوار، با سواد بودن سرپرست خانوار، افزایش تعداد شاغلین در خانوار، شهرنشین بودن خانوار و داشتن وام، احتمال فقیر شدن خانوارها را کاهش و افزایش بعد خانوار احتمال فقیر شدن خانوار را افزایش می دهد. بنابراین داشتن وام می تواند احتمال فقیر شدن خانوارها را کاهش دهد. این نتیجه می تواند تأییدی بر این فرضیه باشد که توسعه نظام مالی برای فقرا می تواند آنها را در خروج از فقر یاری دهد.

ب) الگوی دوم با در نظر گرفتن نسبت مبلغ وام به هزینه خانوار (L/NE)

$$DPOV=C+S_1A+S_2E+S_3EM+S_4NEM+S_5NF+S_6S+S_7U+S_8\frac{L}{NE}+V$$

مطابق نتایج (جدول ۶)، افزایش سن سرپرست خانوار، باسواد بودن سرپرست خانوار، افزایش تعداد شاغلین در خانوار، شهر نشین بودن خانوار و افزایش نسبت مبلغ وام به هزینه

های خانوار، احتمال فقیر شدن خانوار را کاهش و افزایش بعد خانوار، احتمال فقیر شدن خانوار را افزایش می دهد. نتایج این الگو همچون مدل قبل، نقش مثبت توسعه نظام مالی را در کاهش فقر تأیید می کند^۱.

۵-۳- الگوی رگرسیون خطی برای بررسی عوامل تعیین کننده شکاف فقر

در این بخش عوامل تعیین کننده شکاف فقر خانوارهای فقیر به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی با برآورد دو الگوی رگرسیون خطی مورد بررسی قرار می گیرد.

الف) خانوارهای فقیر روستایی

تصریح الگوی مورد استفاده در بررسی عوامل شکاف فقر خانوارهای روستایی و شهری به شرح زیر است. در این مدل متغیر وابسته POV نسبت شکاف فقر خانوار است.

$$POV = C + S_1 A + S_2 E + S_3 EG + S_4 EM + S_5 NEM + S_6 NF + S_7 S + S_8 TL + V$$

جدول ۷ نتایج برآورد ضرایب الگوی را نشان می دهد. همچنانکه مشاهده می شود باسواد بودن سرپرست خانوار، افزایش دهک هزینه ای خانوار و افزایش تعداد شاغلین در خانوار، موجب کاهش شکاف فقر و افزایش بعد خانوار سبب افزایش شکاف فقر خانوار می شود. نکته مهم آن است که داشتن یا نداشتن وام جزء عوامل توضیح دهنده شکاف فقر خانوارهای روستایی فقیر نیست و این نشان از ناکارآمدی وام های اعطا شده به خانوارهای روستایی فقیر است. این نتیجه بیان می کند که نظام مالی موجود نمی تواند تأثیر بسزایی در رفع فقر و ریشه کنی آن در جامعه فقیر روستایی داشته باشد.

ب) خانوارهای فقیر شهری

جدول ۸ نتایج برآورد الگوی فوق را برای بررسی عوامل شکاف فقر خانوارهای شهری را نشان می دهد. همچنانکه مشاهده می شود باسواد بودن سرپرست خانوار و افزایش دهک

^۱ در مدل های لوجیت میزان آماره R^2 برای بیان خوبی برازش مدل، آماره مک فادن

(McFadden R-squared) است. این آماره در مدل های برآورد شده تحقیق، بیش از ۲۰ درصد است که در مدل های لوجیت، عددی قابل قبول است. یادآوری می شود که در بسیاری از مقالات، صرفاً بر بیش از صفر بودن و در بسیاری دیگر از مقالات تجربی، آماره های بیش از ۱۰ درصد، مطلوب منظور شده اند.

هزینه ای خانوار سبب کاهش شکاف فقر خانوار شده و افزایش بعد خانوار سبب افزایش شکاف فقر خانوارهای فقیر می شود. نکته مهم آنکه متغیر داشتن و یا نداشتن وام نتوانسته است از عوامل تعیین کننده شکاف فقر خانوارهای فقیر شهری باشد و این نشانگر ناکارایی وام های پرداخت شده به خانوارهای فقیر شهری است^۱.

جدول ۴: نتایج الگوی لجیت برای شناسایی ویژگی های خانوارهای دریافت کننده وام

متغیر	علامت	شرح متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
عدد ثابت	C		-۲,۸۲۷۷	۰,۱۸۵۴	-۱۵,۲	*۰,۰۰۰۰
سن سرپرست	A		۰,۰۲۹۶	۰,۰۰۷۰	۴,۲۳	*۰,۰۰۰۰
مجدور سن	A*A		-۰,۰۰۰۳	۶,۷۵E-۰۵	-۵,۶۲	*۰,۰۰۰۰
تحصیلات	E	۱=سواد ۰=بی سواد	۰,۰۳۰۵	۰,۰۳۹۹	۰,۷۶	۰,۴۴۴۰
دهک هزینه	EG		۰,۲۳۶۹	۰,۰۰۵۸	۴۰,۲	*۰,۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	-۰,۱۹۰۹	۰,۰۷۰۵	-۲,۷۰	*۰,۰۰۶۸
تعداد شاغلین	NEM		۰,۰۲۰۹	۰,۰۱۷۱	۱,۲۲	۰,۲۱۹۸
بعد خانوار	NF		-۰,۰۷۳۷	۰,۰۰۹۶	-۷,۶۷	*۰,۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰,۰۵۸۲۸	۰,۰۵۵۶	۱,۰۴	۰,۲۹۵۰
شهری و روستایی	U	۱=شهری ۰=روستایی	-۰,۱۵۱۵	۰,۰۳۱۰	-۴,۸۸	*۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

*- معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

^۱ در دو برآورد رگرسیون خطی، آماره R^2 عددی بیش از ۸۵ درصد است.

جدول ۵: نتایج الگوی لجیت برای تعیین عوامل مؤثر در فقیر شدن خانوار (۱)

متغیر	علامت	شرح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
عدد ثابت	C		۰,۳۷۶۷	۰,۱۸۸۴	۱,۹۹	*۰,۰۴۵۶
سن سرپرست	A		-۰,۰۹۲۱	۰,۰۰۶۹	-۱۳,۱	*۰,۰۰۰۰
مجذور سن	A*A		۰,۰۰۰۵	۶,۶۷E-۰۵	۸,۹۳	*۰,۰۰۰۰
تحصیلات سرپرست	E	۱=سواد بی ۰=سواد	-۰,۸۷۹۲	۰,۰۴۲۴	-۲۰,۷	*۰,۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	-۰,۰۰۴۲	۰,۰۷۷۸	-۰,۰۵	۰,۹۵۶۲
تعداد شاغلین	NEM		-۰,۲۵۹۹	۰,۰۲۰۲	-۱۲,۸	*۰,۰۰۰۰
بعد خانوار	NF		۰,۶۲۴۵	۰,۰۱۲۰	۵۱,۶	*۰,۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰,۰۰۴۵	۰,۰۶۱۵	۰,۰۷	۰,۹۴۰۶
شهری یا روستایی	U	۱=شهری ۰=روستایی	-۱,۴۱۹۴	۰,۰۳۵۱	-۴۰,۴	*۰,۰۰۰۰
وام داشتن یا نداشتن	TL	۱=وام دارد ۰=وام ندارد	-۱,۰۸۹۳	۰,۰۵۱۰	-۲۱,۳	*۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

*- معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

جدول ۶: الگوی لجیت برای تعیین عوامل مؤثر در فقیر شدن خانوار (۲)

متغیر	علامت	شرح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره Z	سطح معناداری
عدد ثابت	C		۰,۴۹۰۸	۰,۱۸۶۲	۲,۶۳	*۰,۰۰۸۴
سن سرپرست	A		-۰,۰۹۹	۰,۰۰۶۹	-۱۴,۲	*۰,۰۰۰۰
مجذور سن	A*A		۰,۰۰۰۶	۶,۶۳E-۰۵	۹,۸۹	*۰,۰۰۰۰
تحصیلات سرپرست	E	۱=سواد بی ۰=سواد	-۰,۹۱۹	۰,۰۴۲۱	-۲۱,۷	*۰,۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	۰,۰۰۹۹	۰,۰۷۶۹	۰,۱۲	۰,۸۹۶۷
تعداد شاغلین	NEM		-۰,۲۶۸۱	۰,۰۱۹۹	-۱۳,۴	*۰,۰۰۰۰

بعد خانوار	NF		۰,۶۱۵۳	۰,۰۱۱۹	۵۱,۴	*۰,۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	مرد=۱ زن=۰	-۰,۰۰۱۵	۰,۰۶۱۴	-۰,۰۲	۰,۹۷۹۵
شهری یا روستایی	U	شهری=۱ روستایی=۰	-۱,۴۲۵	۰,۰۳۴۷	-۴۰,۹	*۰,۰۰۰۰
نسبت وام به هزینه خانوار	L/NE		-۰,۳۰۷	۰,۰۶۹۶	-۴,۴۱	*۰,۰۰۰۰

منبع: محاسبات تحقیق

*- معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

جدول ۷: الگوی رگرسیون خطی برای تعیین عوامل مؤثر در شکاف فقر خانوارهای روستایی

متغیر	علامت	شرح متغیر	مقدار ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	C		-۰,۰۰۲۲	۰,۰۱۴۸	-۰,۱۵	۰,۸۷۸۲
سن سرپرست	A		-۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۰۵	-۰,۸۱	۰,۴۱۶۵
مجذور سن	A*A		۲۰۸۳E-۶	۴,۹۶E-۶	۰,۵۷	۰,۵۶۷۵
تحصیلات	E	باسواد=۱ بی سواد=۰	-۰,۰۰۶۲	۰,۰۰۲۵	-۲,۴۲	*۰,۰۱۵۳
دهک هزینه	EG		-۰,۱۲۵۱	۰,۰۰۱۰	-۱۲۱,۴	*۰,۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	شاغل=۱ بیکار=۰	۰,۰۰۷۰	۰,۰۰۴۶	۱,۵۳	۰,۱۲۵۴
تعداد شاغلین	NEM		-۰,۰۰۳۴	۰,۰۰۱۰	-۳,۲۲	*۰,۰۰۱۳
بعد خانوار	NF		۰,۱۱۰۶	۰,۰۰۱۴	۷۶,۴	*۰,۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	مرد=۱ زن=۰	۰,۰۰۳۹	۰,۰۰۴۶	۰,۸۵	۰,۳۹۱۶
وام داشتن یا نداشتن	TL	داشتن=۱ نداشتن=۰	-۰,۰۰۳۳	۰,۰۰۳۳	-۰,۹۹	۰,۳۲۲۰

منبع: محاسبات تحقیق

*- معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

جدول ۸: الگوی رگرسیون خطی برای تعیین عوامل مؤثر در شکاف فقر خانوارهای شهری

متغیر	علامت	شرح متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	C		-۰,۱۰۸۱	۰,۰۲۳۸	-۴,۵۲	*۰,۰۰۰۰
سن سرپرست	A		۰,۰۰۲۲	۰,۰۰۰۹	۲,۳۵	*۰,۰۱۸۶
مجذور سن	A*A		-۲,۰۹۶E-۰۵	۹,۰۸E-۰۶	-۲,۳۰	*۰,۰۲۱۳
تحصیلات	E	۱=سواد بی ۰=سواد	-۰,۰۰۶۵	۰,۰۰۳۴	-۱,۹۱	۰,۰۵۵۵
دهک هزینه	EG		-۰,۱۰۵۰	۰,۰۰۱۷	-۵۸,۶	*۰,۰۰۰۰
اشتغال سرپرست	EM	۱=شاغل ۰=بیکار	-۰,۰۰۱۱	۰,۰۰۵۸	-۰,۲۰	۰,۸۳۸۳
تعداد شاغلین	NEM		۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۱۵	۰,۲۷	۰,۷۸۱۲
بعد خانوار	NF		۰,۱۰۲۶	۰,۰۰۲۷	۳۷,۶	*۰,۰۰۰۰
جنسیت سرپرست	S	۱=مرد ۰=زن	۰,۰۰۸۸	۰,۰۰۶۱	۱,۴۳	۰,۱۵۱۶
وام داشتن یا نداشتن	TL	۱=داشتن ۰=نداشتن	-۰,۰۰۱۷	۰,۰۰۳۸	-۰,۴۴	۰,۶۵۴۲

منبع: محاسبات تحقیق

*- معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد

۶- جمع بندی

بررسی کارایی نظام مالی موجود در ایران به لحاظ دسترسی خانوارها به اعتبارات و نیز نقش این اعتبارات در کاهش فقر خانوارها از موضوعات مهمی است که در این تحقیق سعی شد به بررسی آن پرداخته شود. در این راستا با استفاده از داده های بودجه خانوار سال ۱۳۹۰ و با برآورد سه الگوی لجیت و دو الگوی رگرسیون خطی نشان داده شد که اولاً در نظام تأمین مالی موجود ایران امکان دسترسی خانوارهای کم درآمد و فقیر به اعتبارات مؤسسات مالی رسمی، بطور نسبی پایین است و ثانیاً اعتبارات اعطایی به خانوارهای کم درآمد و فقیر از عوامل توضیح دهنده شکاف فقر آنها بشمار نمی آید. بر اساس نتایج تحقیق، عواملی چون سن سرپرست خانوار، دهک هزینه ای خانوار، اشتغال سرپرست خانوار، بعد خانوار و شهرنشین بودن یا روستایی بودن خانوار می تواند در احتمال دریافت

وام توسط خانوار نقش داشته باشد. در این رابطه خانوارهای دهک های پایین درآمدی، دسترسی مناسبی به اعتبارات بخش مالی رسمی کشور نداشته و این نشان از عدم توزیع مناسب اعتبارات توسط نظام مالی رسمی ایران است. نتایج مدل های لوجیت تعیین کننده عوامل مؤثر در افزایش احتمال فقیر شدن خانوارها، نشان می دهد که اگر خانواری بتواند از اعتبارات مالی استفاده کند، احتمال فقیر شدن کاهش خواهد یافت. با این حال خانوارهای فقیری که از اعتبارات توانسته اند بهره مند شوند، وام های اعطایی در کاهش شکاف فقر آن ها تأثیر چندانی نداشته است. این نتیجه بیان کننده ناکارایی وام های خانوارها است که می تواند ناشی از عدم توجه به ویژگی های اجتماعی-اقتصادی خانوارهای دریافت کننده وام و یا پایین بودن نسبت وام به هزینه خانوار باشد. کما اینکه طبق برآوردهای این تحقیق، افزایش نسبت وام به هزینه خانوار، می تواند احتمال فقیر شدن خانوار را کاهش دهد.

علل ناکارآمدی اعتبارات اعطایی مؤسسات بانکی و غیر بانکی در اقتصاد ایران در راستای فقر زدایی را می توان به شرح زیر بیان کرد:

- هدفمند نبودن اعطای اعتبارات به اقشار کم درآمد در راستای فقرزدایی آنها
- مشخص نبودن گروه های هدف و عدم چارچوب مشخص برای شناسایی گروه های هدف

- مغایرت اهداف فقر زدایی با اهداف نظام مالی و اعتباری موجود و متعارف
- فقدان اطلاعات مالی لازم فقرا برای دستیابی به خدمات مالی و عدم ارائه اطلاعات توسط نظام مالی موجود.

- بالا بودن هزینه های تأمین مالی و ضریب نفوذ کم خدمات مالی
- مقررات و بوروکراسی زیاد در نظام مالی رسمی
- درخواست وثیقه از مشتریان
- عدم همکاری فنی و مشاوره بانک با مشتریان در مورد طرح های اقتصادی
- عدم نظارت بانک ها روی مصارف وام ها
- نبود ساز و کار طرح های نوین خدمت رسانی به فقرا از جمله مالیه خرد در بانک ها

- مشکلات بیشتر مؤسسات غير بانكى بدليل عدم شفافيت مقررات و قوانين آنها و مشخص نبودن دقيق جاىگاه آنها در نظام مالى كشور

بنابراين نظام مالى موجود در ايران با توجه به ساختار، اهداف و كاركردهاى فعلى، در کاهش شكاف فقر خانوارها و نيز ريشه كنى فقر، چندان مؤثر نبوده است. البته دور از انتظار نيست زيرا نظام مالى متعارف به جهت وجود ريسك بالا و با هدف سود آورى بيشتر تمايلى به كار با فقراى جامعه را ندارد و اصولاً بانكدارى با فقرا را سودمند نمى داند. امروزه الگوهاى مالى خرد در بيش از ۱۶۰ كشور جهان، تجربه اجرا دارند و در بسيارى موارد توانسته اند به اهداف کاهش فقر و با توانمندسازى فقرا دسترسى پيدا كنند. استفاده از تجربيات موفق مالى خرد و تلفيق آن با نظام اقتصادى اسلام منجر به ارائه الگوى كارآمد در زمينه بانكدارى و خدمت رسانى مالى به فقرا مى شود كه به الگوى مالى خرد اسلامى، موسوم است. الگوى مالى خرد اسلامى، به عنوان مكمل نظام مالى موجود، با حفظ نقاط قوت مالى خرد متعارف و افزودن ظرفيت‌هاى اقتصادى موجود در شريعت مابين اسلام از جمله، عقود اسلامى و منابعى چون قرض الحسنه و وقف كه با فرهنگ غنى ايرانى نيز آميخته شده است، مى تواند راهكار مؤثرى در افزايش دسترسى فقرا و اقشار كم درآمد به خدمات مالى و زدودن فقر از چهره جامعه باشد.

منابع:

ارشدى، على و عبدالعلى كريمى (۱۳۹۲)، «بررسى وضعيت فقر مطلق در ايران در سال هاى برنامه اول تا چهارم توسعه»، فصلنامه سياست هاى راهبردى و كلان، سال يكم، شماره يكم، بهار.

افتخارى، عبدالرضا و ركن الدين عينالى (۱۳۸۳)، «ارزيابى اعتبارات خرد بانك كشاورزى در توسعه اقتصادى روستايى (مطالعه موردى شهرستان خداونده)»، فصلنامه پژوهشهاى بازرگانى، شماره ۳۴.

- پروین، سهیلا و راضیه زیدی (۱۳۸۰)، «اثر سیاست های تعدیل بر فقر و توزیع درآمد»،
مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۵۸.
- حسن زاده، علی و علی ارشدی (۱۳۸۲)، «نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی»،
 مجموعه مقالات سیزدهمین کنفرانس سالانه سیاست های پولی و ارزی، پژوهشکده پولی
 و بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۳۰ و ۳۱ اردیبهشت.
- حسن زاده، علی و صالح قویدل (۱۳۸۴)، «چالش های تأمین مالی خرد روستایی در ایران:
 مقایسه تطبیقی صندوق های قرض الحسنه روستایی و گرامین بانک بنگلادش»، *اقتصاد
 کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار.
- راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی (۱۳۸۶)، «فقر در ایران طی سالهای ۸۳-۱۳۶۸»، *فصلنامه
 رفاه اجتماعی*، شماره ۲۴.
- صمدی، سعید (۱۳۷۸)، «کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران»، رساله دکتری، دانشکده
 اقتصاد دانشگاه تهران، شماره ۶۳۵.
- عرب مازار، عباس و مرتضی حسینی نژاد (۱۳۸۳)، «برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه
 های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*،
 شماره ۴۵.
- عرب مازار، عباس و مرتضی حسینی نژاد (۱۳۸۳)، «عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل
 روستایی در ایران»، *جستارهای اقتصادی*، شماره یک، بهار و تابستان.
- عرب مازار، عباس و حشمت الله سعدی (۱۳۸۵)، «نقش اعتبارات خرد در توانمند سازی
 زنان روستایی: تجربه بانک کشاورزی»، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر، بانک
 کشاورزی، تهران، ۱۹ و ۲۰ آذرماه.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱)، *توسعه به مثابه آزادی*، انتشارات دستان. ترجمه کتاب
Development as Freedom، تألیف Amartya Sen، 1999.
- متوسلی، محمود (۱۳۹۰)، *اقتصاد تأمین مالی خرد، نگرشی نهادی به فقرزدایی و درک
 عمیق تر محرومیت در جامعه بشری*، پژوهشکده پولی و بانکی، ترجمه کتاب *The
 economics of microfinance*، تألیف Aghion and Mourduch، 2005.

متوسلی، محمود و رضا آقاباباییان (۱۳۸۷)، «بررسی ویژگی های الگوهای موفق مالیه خرد در جهت تعیین عوامل کلیدی موفقیت آن»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۸۳.

نجفی، بهاءالدین و وحید یعقوبی (۱۳۸۴)، «تأمین مالی خرد، راهکارهای نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال سیزدهم، شماره ۴۹.

نجفی، بهاءالدین (۱۳۸۴)، «تجربه اعتبارات خرد کشاورزی سنتی و دهقانی ایران، همایش توسعه روستایی و کاهش فقر»، بانک کشاورزی، تهران، ۱۹ و ۲۰ آذرماه.

نیلی، فرهاد و دیگران (۱۳۷۶)، *بررسی تحولات فقر، درآمد و رفاه اجتماعی در اقتصاد ایران*، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، تهران.

Booth, C. (1892), "Life and Labour of the People in London", Macmillan, London. Qouted in Ravallion.1998

Christen, R.P (2004), "Financial Institutions Whit a Double Bottom Line: Implications for Microfinance". Washington DC. CGAP Occasional Paper No.8.

Copetake, J. and R. Williams (2011), "What is the impact of microfinance, and what does this imply for microfinance policy and futre impact studies?" *Oxford Policy Management*.

Glassman, A. and Birdsall, N. (2013), "Can India Defeat Poverty", *Foreign Policy*, 8 January.

Godquin, M. (2004), "Microfinance Repayment Performance in Bangladesh: How to Improve the Allocation of Loans by MFIs", *World Development*, Vol, 32, No.11, PP, 1909-1926

Helms, B. (2006), *Access to All: Building Inclusive Financial System*, Consultative Group to Assist the Poor. Washington, D.C: The World Bank.

Hollis, A. and Sweetman, A. (1998b), "Microcredit in prefamine Ireland", *Explorations in Economic History*, Vol.35, No., pp.345-370.

Hulme, D. (2000), "IS Microdebt Good for Poor People? A Note on the Dark Side of Microfinance", *Small Enterprise Development*, Vol. 11, No. 1, pp: 26-28.

Hulme, D. and Mosley, P. (1996), *Finance against Poverty*, Vol, 1&2, Routledge, London.

Ledgerwood, J. (1999), *Microfinance Handbook: An Institutional and Finincial Perspective*. Washington, D.C: World Bank.

- Levy, F. (2002), "Apex Institutions in Microfinance", CGAP Occasional Paper No. 6 Washington DC.
- Mayoux, L. (1999), Questioning virtuous spirals: Microfinance and women's empowerment in Africa. *Journal of International Development*, 11, 957-984.
- Navajas.S. et al (2000), "Microcredit and the Poorest of the Poor: Theory and Evidence from Bolivia", *World Development*, Vol.28, No 2.
- Ravallion, M. (1998), "Poverty Lines in Theory and Practice", LSMS, Working Paper No.133, World Bank.
- Robinson, Marguerite, S. (2001), *the Microfinance Revolution: Sustainable Finance for the Poor*, Vole.1, the World Bank, Washington D.C.
- Rowntree, B.S. (1901), "Poverty: A study of Town life". Macmillan, London, Qouted in Ravallion.1998
- Schreiner, M. (2002), "A Cost-Effectiveness Analysis of the Grameen Bank of Bangladesh". *Development Policy Review*, 21(3), 357-382.
- Sen, Amartya (1981), *Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation*. Oxford: Clarendon Press.
- Smolo, E. (2011), "A Theory and Contractual Framework of Islamic Micro-Financial Institutions' Operations", *Journal of Financial Services Marketing*, Vol. 15, PP 287-295.
- Snow, Douglas, and T. Buss (2001), "Microfinance: An Institutional Development Opportunity", *International Journal of Economic Development*, Vol. 1, No.1, pp: 65-79.
- Stiglitz, J. and Karla Hoff (1993), "Imperfect Information and Rural Credit Markets: Puzzles and Policy Perspective", *the Economics of Rural Organization; Theory, Practice and Policy*. World Bank.
- Townsend, P. (1979), *Poverty in the United Kingdom*, London: Penguin.
- Woolcock, M. (1999), "Social Theory, Development Policy, and Poverty Alleviation: A comparative-Historical Analysis of Group-Based Banking in Developing Economies". Ph.D. diss., Department of Sociology, Brown University.
- World Bank (2001), *World Development Report 2000- 2001: Attacking Poverty*.
- Yunus, M. (2003), *Banker to the poor, Micro-Lending and the Battle against World Poverty*, Public Affairs, New York.

Identifying the Socio- Economic Characteristics of the Borrower Households and the Impact of Micro-Credit on Poverty Gap: Case of Iran

Hassan Dargahi¹
Mohammadreza Mazloupour²

Abstract:

The Impact of micro-credit on household's poverty gap is considered one of the most important social and economic issues. In this research, the socio-economic characteristics of the borrower households are identified by using a Logit model, based on the urban and rural household budget survey data for 2011. Then, the impact of micro-credit on poverty gap of poor households is examined by estimating of linear regression models.

The result of the Probit analysis shows the coefficients of the age of household head, employed household head, household size, and urbanization are significantly positively related to households' access to credit. However, the coefficient of household expenditure is negatively related to households' access to credit. This implies that the low-income household is more likely do not access to micro-credit. Also, the regression analysis shows that the access to micro-credit is not an explanatory variable for poverty gap of the poor households. This indicates that the micro-credit has no impact on the poverty reduction of the poor households.

Keywords: Consumer Economics, Credit Constraint, Micro-Credit, Poverty Gap, Iran

JEL Classification: G21, I32, D12, C55

¹ Associate Prof. of Economics, Shahid Beheshti University, h-dargahi@sbu.ac.ir

² M. A. in Economics, Shahid Beheshti University, mr_mazloupour@yahoo.com